

قدمگاه امام علی (ع)؛

در جستجوی تربت‌خانه ایلخانی کاشان

علمی پژوهشی

محمد مشهدی نوش آبادی*

حمیدرضا جیحانی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۸

چکیده

شهریار عدل در مقاله‌ای با عنوان «یک جفت کاشی دوآتشه یادبود از کاشان مورخ سال ۷۱۱ق»، دو قطعه کاشی زرین‌فام مدور محفوظ در موزه سور پاریس را مطالعه کرده است که بنا بر متن کتیبه مندرج در کاشی‌ها در ارتباط با یک بنای یادمانی شیعی در کاشان ساخته شده‌اند. یکی از کاشی‌ها که لبه‌ای برجسته شبیه نعل اسب دارد، روایتگر رؤیایی از سال ۷۱۱ق است. طبق شرح رؤیای یادشده، امام علی (ع) و امام مهدی (عج) در سر راه هند به کاشان آمده‌اند و در آنجا امام علی (ع) دستور ساخت بنایی را صادر کرده است تا کسانی که نمی‌توانند به دیدار ایشان بروند، آن بنا را زیارت کنند. با وجود بررسی‌های صورت‌گرفته و از جمله اشاره به موقعیت کلی بنا، تاکنون خود بنا و جای دقیق آن شناسایی نشده است. لذا این پرسش‌ها قابل طرح است که آیا جفت کاشی زرین‌فام یادشده به بنایی مشخص اشاره دارند؟ و مهم‌تر اینکه اگر بنای یادشده قابل شناسایی است، کجا واقع شده و چه خصوصیتی دارد؟ این مقاله در پی یافتن بنای یادشده و روشن کردن خصوصیات اصلی آن است. این مطالعه بر اساس روش تفسیری تاریخی به انجام رسیده است. برای این منظور، متن کتیبه‌ها و متون تاریخی مرتبط مطالعه و تفسیر می‌شوند؛ همچنین محدوده‌ای وسیع در شمال غربی حصار تاریخی شهر بررسی می‌شود تا امکان پاسخ دادن به پرسش‌ها فراهم شود. در ادامه، مکان دقیق بنایی در همان محدوده مطالعه و بقایای بنای یادشده با برخی نمونه‌ها مقایسه می‌شود تا خصوصیات دقیق‌تر و دوره تاریخی ساخت آن روشن شود. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بنای گنبدخانه‌ای کوچک در شمال گورستان صالح‌آباد که در بیرون حصار کاشان قرار دارد، همان بنایی است که شرح‌حال ساخت آن بر روی کاشی زرین‌فام مورد نظر نوشته شده است. مطالعات صورت‌گرفته نشان‌دهنده رابطه میان دو کاشی منحصر به فرد یادشده و بنای گنبددار کوچکی در شمال حصار کاشان در محدوده صالح‌آباد است؛ جایی که بنای دیگری تا سال ۱۳۹۷ با عنوان قدمگاه وجود داشته است. دو کاشی یادشده از گزند حوادث در امان مانده‌اند تا بخشی از تاریخ فرهنگی و معماری کاشان را بازگو کنند و البته نقش و جایگاه محدوده‌ای در شمال حصار تاریخی شهر را در فرهنگ شیعی کاشان برای ما روشن کنند.

کلیدواژه‌ها:

کاشان، درب مهریق‌آباد، دوره ایلخانی، کاشی زرین‌فام.

* دانشیار، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه کاشان

** دانشیار، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان، نویسنده مسئول، jayhani@kashanu.ac.ir

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۱۸ - پاییز و زمستان ۹۹

صفحات ۸۹-۱۱۲

۸۹

پرسش‌های پژوهش

۱. آیا جفت کاشی زرین‌فام مدور محفوظ در موزه سور پاریس که شه‌ریار عدل آن‌ها را مطالعه و معرفی کرده است، اشاره به بنایی مشخص دارد؟
۲. اگر بنای یادشده قابل شناسایی است، کجا واقع شده و چه خصوصیتی دارد؟

مقدمه

دو قطعه کاشی مدور با لعاب زرین‌فام که به‌طور مجزا خریداری شده و اکنون در موزه سور پاریس^۱ نگهداری می‌شوند، به‌واسطه متن کتیبه روی یکی از آن‌ها با شهر کاشان پیوندی نزدیک دارند. شه‌ریار عدل، پژوهشگر برجسته هنر ایرانی، در مقاله‌ای با عنوان «یک جفت کاشی دوآتشه یادبود از کاشان مورخ سال ۷۱۱ق»^۲ دو قطعه کاشی را مطالعه کرده که در ابتدای سده هشتم هجری قمری، در ارتباط با یک بنای یادمانی در کاشان ساخته شده‌اند. قطعه کاشی مدور که لبه‌ای برجسته شبیه نعل اسب دارد، داستان رؤیایی از سال ۷۱۱ق را شرح می‌دهد. بر روی این کاشی که از اندازه معمول نعل اسب یا جای پای او بزرگ‌تر است، جریان خوابی گزارش شده است. بر اساس آن، امام علی(ع) و امام مهدی(عج) که برای فتوحات اسلامی به هندوستان می‌رفتند، به محلی در نزدیکی کاشان آمده‌اند و امیرالمؤمنین(ع) دستور ساخت بنایی داده است تا مردمی که نمی‌توانند در آنجا به دیدار ایشان بروند، این بنا را زیارت کنند. طبق شرح یادشده در این مکان، قدمگاهی توسط شخصی به نام حیدر فارس ساخته شده است. کاشی دیگر که به شکل جای پای شتر و مدور و کمی بزرگ‌تر از کاشی قبلی است، تصویری را که بیننده خواب دیده است، نشان می‌دهد که شامل یک خیمه، یک اسب، یک شتر و یک نیزه است.

عدل، متن و خط و نقوش این دو کاشی را به‌دقت بررسی و مطالعه کرده، موضوع خواب‌نما شدن را شرح داده، نگاره روی یکی از کاشی‌ها و نقوش ترسیم‌شده بر روی آن‌ها را بررسی کرده و بر اساس آن، تحلیلی جامعه‌شناختی نیز از این ماجرا ارائه داده است (Adele 1982). او پیش از این مطالعه یادشده، در مقاله دیگری، کاشی مدور با لبه برجسته نعلی‌شکل و به‌خصوص متن کتیبه روی آن را مطالعه کرده و بر اساس متن و با ارجاع به کتاب حسن نراقی یادآور شده که دروازه‌های از کاشان که دست‌کم از دوره صفوی ملک‌آباد نامیده شده، پیش از آن به‌دلیل باغ بزرگی به نام مه‌ریق‌آباد که در همان حوالی بوده، به دروازه مه‌ریق‌آباد شهرت داشته است (Idem 1972: 287). بر این اساس به‌جای تقریبی مکانی که بیننده خواب بر کتیبه کاشی آن را یادآور شده، در حوالی گورستان قدمگاه اشاره شده است؛ هرچند شه‌ریار عدل بنایی را که قابل انتساب به موضوع رؤیا باشد، معرفی نکرده است. او پیش‌بینی کرده که با ساخت زیارتگاه، باغی که بیننده رؤیا در خواب دیده، به مکان مقدسی تبدیل شده، نام قدمگاه به خود گرفته و به‌تدریج به گورستان تبدیل شده است (Ibid, 288).

همین‌جا باید اشاره شود که این نوع خواب‌نما شدن و سپس ساختن برخی آثار توسط برخی کسان، مسبوق به سابقه است و نمونه‌های دیگری نیز می‌توان سراغ گرفت. برای مثال، کتیبه کاشی زرین‌فام زیارتگاه یزدلان از بخش ابوزیدآباد کاشان که تاریخ ۱۰۱۵ق دارد، به موضوعی مشابه اشاره می‌کند؛^۳ و البته کتیبه روی در چوبی مسجد علی قهرود که به تاریخ ۷۰۰ق نقش بسته است و داستان شکل‌گیری همان‌جا را شرح می‌دهد (Watson 1975: 68-70). بر این اساس این پرسش قابل طرح است که آیا جفت کاشی مدور زرین‌فام موزه سور که پیش‌تر دست‌مایه مطالعات عدل قرار گرفته نیز مشابه کتیبه خواب‌نمای منقوش بر در مسجد علی قهرود است و به بنایی مشخص اشاره دارد؟ و آیا بنای یادشده قابل شناسایی است؟ و مهم‌تر اینکه اگر بنای یادشده قابل شناسایی است، کجا واقع شده و چه خصوصیتی دارد؟ این مقاله در پی پاسخ دادن به این پرسش‌هاست و به دنبال آن است که بنای یادشده را بر اساس شواهد و قراین مندرج در کاشی دربردارنده شرح خواب و همچنین دیگر منابع بیابد و معرفی کند. روش تحقیق این مقاله، تفسیری تاریخی است و در آن، متن کتیبه و پاره‌های متون تاریخی بررسی و مطالعه خواهند شد و با شواهد محلی و باقی‌مانده

و از جمله خصوصیات معماری برخی بناها مقایسه خواهند شد تا بنایی که در کتیبه کاشی(ها)ی مورد نظر به آن اشاره شده، مشخص و معرفی شود.

۱. داستان یک رؤیا: متن کتیبه‌های منقوش بر دو قطعه کاشی مدور زرین‌فام موزۀ

سور

در این مقاله، کتیبه‌های منقوش بر دو کاشی یا لوح زرین‌فام مطالعه می‌شود. کاشی نخست که کتیبه‌ای طولانی‌تر دارد، مدور است، قطرش تقریباً برابر با ۲۸۵ میلی‌متر و ضخامتش ۲۶ میلی‌متر است (Adele 1982: 200). بر روی لبه این کاشی، حاشیه‌ای که شکلی نزدیک به نعل اسب دارد، با اندکی برجستگی ساخته شده است. هم روی بخشی از لبه نعلی‌شکل پایین کاشی و هم در حاشیه بالایی کاشی و میان دو زبانه لبه یادشده، کتیبه ادامه یافته است (تصویر ۱). کاشی دیگر نیز شکلی مدور دارد، شبیه جای پای شتر است و اندازه‌اش از کاشی نخست کمی بزرگ‌تر است. کاشی دوم در بردارنده تصویری است که به نظر می‌رسد جایی را نشان می‌دهد که بیننده خواب آن را دیده است (تصویر ۲).^۴ در حاشیه کاشی شبیه جای پای شتر، لبه باریکی وجود دارد که روی آن کتیبه‌ای نوشته شده است. متن کتیبه کاشی نخست که لبه برجسته نعلی‌شکل دارد، در ۲۴ سطر نوشته شده است و بخشی از کتیبه نیز در ۴ سطر دیگر در حاشیه پایین کاشی و در فضایی به شکل قطاعی از یک دایره ادامه یافته است. متن بدین شرح است:

(۱) بسم‌الله الرحمن الرحیم (۲) سید فخرالدین حسن طبری شب (۳) آدینه اول ماه شوال سنه (۴) احدى عشره سبع‌مائه صبحگاهی در (۵) خواب چنان دید که در باغ امیر کی متصل (۶) سور^۵ کاشان است بر ظاهر درب مهریقا باذ (۷) بوذ و خلقی انبوه از زن و مرد هم درین باغ حاضر، خیمه (۸) زده دید و اسبی و جماره آنجا بسته و نیزه بزمین فرو برده، جوانی (۹) در غایت حُسن و جمال و بهاء کمال از آن خیمه بیرون آمد برسم عرب (۱۰) تحت الحنک بسته و تیغی حمایل کرده از میان آن همه قوم بیننده خواب اشارت (۱۱) کرد چون بخدمتش رسید بر سر زمین نهاد و سلام کرد، جواب فرمود و در خیمه (۱۲) برانداخت. بیننده خواب مردی را دید نورانی بغایت مهنت^۶ متمکن شده زرهی (۱۳) پوشیده تیغی حمایل کرده و از شجاعت و صلابت وی زمین در حرکت آمده و نور از روی مبارک (۱۴) وی باسَمان پیوسته و دستها بر سر زانو نهاده. جوان با بیننده خواب گفتی که امیرالمؤمنین علی است علیه‌السلام. (۱۵) بیننده خواب بروی در افتاد و تضرع و زاری کرد. امیرالمؤمنین فرمود که سر بردار، چون سر (۱۶) برداشتی فرمودی که این جوان فرزند ماست مهدی صاحب زمان و این ساعت بطرف (۱۷) هندوستان می‌رویم که کافرانی چند را در دایره اسلام آریم و اشارت خواهیم (۱۸) فرمود تا اینجا بنیاد تربتی عالی بنهند که هر کس کی خواهد که زیارت من در یابد و آنجا نتواند (۱۹) آمدن این مقام را زیارت کند. بیننده خواب در اثناء این حال از خواب بیدار گشت (۲۰) و برخاست و بی‌باغ امیر رفت مربعی بیست و پنج خشت در بیست و پنج خشت کشیده (۲۱) و نشستگاه امیرالمؤمنین و پی اسب برین منوال که این کلمات در بطنش (۲۲) مسطور است و پی جماره آن موضع را نشان کرد و با (به) شهر (۲۳) مراجعت نمود. بعد از دو سه روز دو مرد و دو (۲۴) زن که بزبور صلاح و سداد مَتحلی^۷ بودند، (۲۵) حاشیه پایین) جمال امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در خواب دیدند که با ایشان فرمود (۲۶) حاشیه پایین) که بحیدر فارس گوئید تا آنجا که ما فرموده‌ایم بنیاد تربتی عالی بنهد بر موجب نشان (۲۷) حاشیه پایین) چون این کلمات بسمع مولانا معظم بها المله و الدین فارس رسید در روز بعمارت (۲۸) حاشیه پایین) این مقام مشغول شد. بحکم ان الله لا یضیع اجر المحسنین و السلم [علی] من اتبع الهدی.

مطابق متن کتیبه کاشی مدور دارای لبه نعلی‌شکل، شخصی که نام او سید فخرالدین حسن طبری است، در شب اول شوال سال ۷۱۱ق/ ۱۳۱۲م و به هنگام خواب، خود را در باغ امیر می‌بیند درحالی که در میان خلقی انبوه از زن و مرد است. او در باغ یادشده خیمه‌ای افراشته و اسب و جماره‌ای را می‌بیند و همچنین نیزه‌ای که به زمین فرو رفته است. این تصویر باید همانی باشد که بر روی کاشی دوم که شبیه جای پای شتر است، نقش بسته است (تصویر ۲). سید فخرالدین

حسن در آنجا امیرالمؤمنین علی(ع) و امام مهدی(عج) را می‌بیند. امیرالمؤمنین به او می‌گوید که ایشان در حال رفتن به هندوستان‌اند تا کافران را به دین اسلام دعوت کنند و سپس می‌افزاید که اشارت خواهد کرد تا در اینجا تربتی بسازند تا هر کسی که می‌خواهد او را زیارت کند، این مقام را زیارت کند. سید فخرالدین حسن زمانی که از خواب برخاست به باغ امیر رفت و مربعی ۲۵ خشت در ۲۵ خشت کشید و همچنین جای نشستن امیرالمؤمنین و جای پای اسب و شتر را نشان کرد. طبق متن کتیبه، دو سه روز بعد دو مرد و دو زن، امیرالمؤمنین را در خواب دیدند و او به ایشان فرمود که به حیدر فارس بگویید تا در جایی که ما فرموده‌ایم تربتی بنا نهد. فارس همان روز که این کلمات را شنید به عمارت مشغول شد. هر دو کاشی شامل نقوش تزیینی‌اند. در حاشیه کاشی شبیه نعل اسب، لبه برجسته با برگ و گل‌های متفاوت که عمدتاً شش گلبرگ دارند، تزیین شده است. این نقوش نسبت به خط فرضی که از دهانه لبه نعلی شکل عبور می‌کند، تقارن نسبی دارند. در امتداد خط عمود بر این محور فرضی و در میان نقوش گل و برگ، محدوده کوچکی در دو لبه کاشی به متن اختصاص یافته است و بر روی آن عبارتهای «نعل اسب روز بدین» و «اندازه مشاهده کرد» درج شده که علی‌القاعده باید آن را پشت سرهم خواند.



تصویر ۱: کاشی مدور زرین‌فام با لبه برجسته شبیه نعل اسب، ۷۱۱ق/۱۳۱۲م، شماره: MNC 22688 (موزه ملی سرامیک سیور در پاریس)

کاشی مدور شبیه جای پای شتر نیز کتیبه‌های کوتاهی دارد که بر روی حاشیه آن نوشته شده است. در کتیبه حاشیه بالایی که توسط یک شکل تزئینی به دو نیم تقسیم شده، آمده است: «بیننده خواب سید فخرالدین در شب بواقع^۱ چنین دید کی درین میان پی جمّازه نقش کرده‌اند و چون روز بیامد پی جمّازه بدین اندازه [دید]». حاشیه پایینی کاشی که متن کتیبه در آن درج شده نیز توسط یک نیزه به دو نیم تقسیم شده است. در پشت نیزه بنا بر شرح عدل، بارگاه و خرگاهی قرار گرفته است (عدل، ۱۳۷۹: ۲۲۶). بارگاه که می‌تواند چهارگوش باشد، با دو طناب که به دو سوی جانب تصویر امتداد می‌یابند، مهار شده و لذا از جنس خیمه است. این خیمه نقوش تزئینی و همچنین کتیبه‌هایی با خطوط درشت دارد که عبارت‌اند از: «الملک لله الواحد القهار»، «حسی ربی»، «علی ولی الله» و «محمد صاحب الزمان». در پشت این بارگاه، گنبدی دیده می‌شود که طبق شرح عدل و بر اساس ارجاع او به کتاب پیتر اندروز^۲ (۱۹۸۰) صورتی همچون بخش فوقانی یک خرگاه یا خیمه مدور دارد.



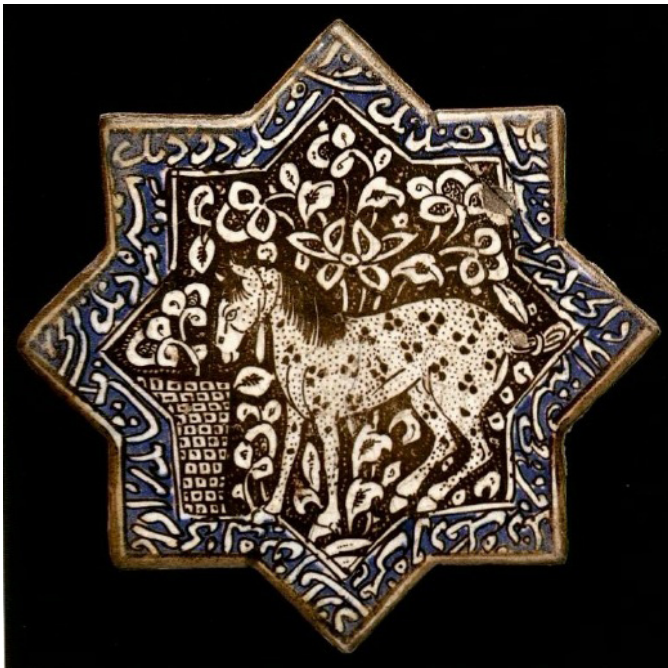
تصویر ۲: کاشی مدور زرین‌فام با لبه برجسته شبیه جای پای شتر، ۷۱۱/ق/۱۳۱۲ م، شماره: MNC 26903 (موزه ملی سرامیک سور در پاریس)

ترکیب بارگاه و خرگاه روی کاشی شبیه جای پای شتر بسیار باشکوه و پرتزین است و برای مثال از بسیاری نمونه‌های دیگری که خیمه‌ای مشابه را در بر دارند، جزئیات و تزئینات بیشتری دارد و مجلل‌تر است. اینکه تصویر روی کاشی مدور موزه سور صورتی مجلل را نشان می‌دهد، می‌تواند با موضوع خواب و شأن امام علی (ع) و امام مهدی (عج) مرتبط دانسته شود و اینکه ایشان در آن بارگاه حضور داشته‌اند. در دو فضای مثلثی شکل سمت راست و چپ، کاشی مدور شبیه جای پای شتر به ترتیب عبارت‌های «بدین اندازه» و «پی جمازه» نوشته شده که باید پشت سرهم خوانده شوند.^{۱۰} در حاشیه پایینی کاشی یادشده نیز کتیبه‌ای درج شده که چنین است: «خدایش بیامرزاد که یکبار سورت الحمد و سه بار سوره قل هو الله از براء بانی این خیر و از براء بیننده خواب و از براء نویسنده این حروف و کننده این نقش بخواند.» کتیبه یادشده نشان می‌دهد کاتب و نقاش یک نفر بوده است؛ زیرا کلمه «براء» که باید صورتی از واژه «برای» باشد سه مرتبه در متن و در جهت درخواست دعا برای سه نفر آمده است؛ نخست برای بانی و سپس برای بیننده خواب و در انتها برای نویسنده‌ای که ترسیم نقوش هم کار اوست (مشهدی و غیثیان ۱۴۰۰).

در موزه دولتی تاریخ ازبکستان در تاشکند، یک قطعه کاشی مدور نگهداری می‌شود که همانند کاشی نعلی شکل موزه سور است و متنی تقریباً یکسان با آن دارد (تصویر ۳)؛ هرچند یک تفاوت مهم میان این دو کاشی مشابه قابل شناسایی است. در کاشی محفوظ در موزه دولتی تاریخ ازبکستان، تاریخ دیدن رؤیا توسط سید فخرالدین پنجاه سال دیرتر و به سال ۷۶۱ق («شب آدینه اول ماه شو[ال] سنه احدی ستون سبع [لـ]ائه») ثبت شده است. عدل بدون توجه یا اشاره به تاریخ‌های متفاوت مندرج روی کاشی‌ها شرح می‌دهد که چند همانند از جای پای اسب و جمّازه امامان توسط برخی از اهالی مؤمن کاشان و در جهت اثبات و تبیین حضور امامان در آن شهر، تهیه و به جاهای دیگر فرستاده شده است (عدل ۱۳۷۹، ۲۴۵). او توضیح بیشتری در مورد این نظر خود ارائه نکرده است. ممکن است که او تاریخ روی کاشی متأخرتر را ندیده یا نتوانسته است آن را بخواند. اگر فاصله تقریباً نیم قرن میان دو کاشی با متن و شکل مشابه در نظر گرفته شود، برای فهم منطق دو متنی که واقعه‌ای یکسان را با نیم قرن اختلاف روایت می‌کنند، ممکن است بتوان از سنت تذکره‌نویسی زیارتگاهی کمک گرفت. در سنت یادشده که شرح‌حال‌نویسی برای زیارتگاه‌ها را نیز شامل می‌شود، گاه واقعه‌ای یکسان به دو محل متفاوت و مجزا منتسب می‌شده است. به بیان دیگر، تذکره‌نویسان گاه متنی را که متعلق به یک مکان مشخص بود، به مکان دیگری نیز نسبت می‌دادند که شرح‌حالی از یک رویداد مشخص نداشت اما باور بر این بود که آنجا هم قداست دارد. در یک نمونه مطالعه‌شده پیشین که به حوالی کاشان نیز مرتبط است، تذکره زیارتگاه شاهزاده سلیمان نوش‌آباد به زیارتگاه شاهزاده سلیمان فیض‌آباد نیز برده شده است. هر دو متنی یکسان دارند. به نظر می‌رسد تهیه لوح یادمانی برای تبیین ساخت بنایی مقدس می‌توانست الگویی برای دیگر بناهای مذهبی به خصوص قدمگاه‌های بی‌شماری باشد که بر اساس یک رؤیا یا بنا بر باوری ذهنی شکل گرفته بودند (مشهدی ۱۳۹۵، ۲۷۵-۲۷۲). لذا کاشی موجود در موزه دولتی تاریخ ازبکستان ممکن است برای بنایی در کاشان یا شهر دیگری و توسط هنرمندی کاشانی ساخته شده باشد؛ این در صورتی است که بنا بر عدم وقوع یک رویداد مشخص، متن آن می‌تواند صورت رونویسی شده‌ای از متنی قدیمی‌تر باشد و صرفاً تاریخ وقوع رویداد به هر دلیلی تغییر کرده است.

بنا بر مطالعات صورت‌گرفته، نتیجه کار نقاشی روی کاشی شبیه جای پای شتر با چند کاشی ستاره‌ای هشت‌پر شباهت فوق‌العاده‌ای دارد؛ به‌گونه‌ای که می‌توان به احتمال زیاد، آن‌ها را کار یک نفر دانست. سه فقره از این کاشی‌های ستاره‌ای هشت‌پر در مجموعه دیوید در کپنهاگ نگهداری می‌شود که همگی تاریخ ۸۹ق/ ۱۲۹۰-۱۲۹۱م را دارند.^{۱۱} یکی دیگر از این کاشی‌ها نیز در موزه هنرهای زیبای بوستون نگهداری می‌شود و تاریخ ۷۱۰ق دارد. این کاشی، اسب خال‌داری را در پس‌زمینه‌ای مشابه با گل‌ها و برگ‌های منقوش روی کاشی‌های موزه سور شامل می‌شود (تصویر ۴). علاوه بر این، خط کتیبه دورتادور کاشی هشت‌پر یادشده بسیار به کتیبه‌های روی بارگاه منقوش بر کاشی محفوظ در موزه سور که شبیه جای پای شتر است شباهت دارد (مشهدی و غیثیان ۱۴۰۰). توجه به تاریخ کاشی‌های مجموعه دیوید و موزه هنرهای زیبای بوستون نشان می‌دهد که تاریخ مندرج در کتیبه شرح‌دهنده خواب در کاشی‌های موزه سور با زمان ساخت کاشی‌ها قرابت و نزدیکی دارد و کاشی‌های مورد مطالعه در همان حدود زمانی ساخته شده‌اند که در

کتیبه به ماجرا و زمان دیدن رؤیا اشاره شده است؛ و مثلاً همچون کاشی محفوظ در موزه دولتی تاریخ ازبکستان، زمان ساخت کاشی و واقعه دیدن رؤیا در خواب فاصله قابل توجهی ندارند.



تصویر ۴: کاشی ستاره‌ای زرین‌فام، ۷۱۰ق/ ۱۳۱۰-۱۳۱۱م، شماره: 31.729 (موزه هنرهای زیبای بوستون)



تصویر ۳: کاشی زرین‌فام با نقش نعل اسب، کاشان، ۷۶۱ق/ ۱۳۶۰م، موزه دولتی تاریخ ازبکستان، تاشکند (عدل ۱۳۷۹، ۲۴۶)

مطالعات معمارانه ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۱۸ - پاییز و زمستان ۹۹

۹۵

۲. درب مهریق‌آباد کاشان؛ نگاهی به متون تاریخی

بنا بر متن کتیبه مندرج بر کاشی موزه سور، عمارت یادمانی در باغ امیر ساخته شده است که چسبیده به سور یا باروی کاشان بوده و در مقابل درب مهریق‌آباد قرار داشته است: «در باغ امیر کی متصل سور کاشان است بر ظاهر درب مهریق‌آباد بود.» معمولاً نام‌گذاری دروازه‌های شهر بر اساس نام یک شهر یا آبادی بوده که دروازه به‌سوی آن گشوده می‌شده است. مانند دروازه اصفهان در طرف دیگر شهر که به‌سوی اصفهان بوده است. لذا باید بررسی کرد که آیا مکانی به نام درب مهریق‌آباد یا مهریق‌آباد در جغرافیای منطقه وجود داشته است یا خیر؟ قبل از آن خوب است به نسبت میان دروازه و آتشکده هم اشاره شود. حسن بن محمد قمی در تاریخ قم، متنی از سده چهارم هجری قمری، پس از اشاره به دوازده محله‌ای که در جمکران بنا کردند، می‌نویسد: «و بر هر محلی و دربی آتش‌کده بود» (قمی ۱۳۸۵، ۱۸۴). او در ذکر روستاها و آبادی‌های طسوج کاشان از حدود سی آبادی نام می‌برد که تعدادی از آن‌ها امروزه نیز تقریباً به همان نام شهرت دارند؛ همچون آران، انوش‌آباد، مشکان، سسه (سن‌سن). یکی از این آبادی‌ها «در مهر» است. او آن را به‌صورت «در مهر منها» نام می‌برد که اشاره به ارجاعی کهن‌تر برای در مهر است (همان، ۳۱۴). این نام یادآور «در مهر»های زرتشتی است.

در واقع در مهر نامی برای آتشکده زرتشتی است (Boyce 1993). حتی امروز هم زرتشتیان از عبارت در مهر به‌عنوان آتشکده استفاده می‌کنند؛ مانند درب مهر کهن، درب مهرنوش، در مهر خرمشاه در شهر یزد و در مهر اله‌آباد در شهر زارچ استان یزد.^{۱۲} پس در مهر به معنای مطلق آتشکده است و با توجه به اینکه تا حدود سده چهارم و حتی پس

از آن، آبادی زرتشتی‌نشین در کاشان وجود داشته، غرابتی ندارد که اینجا در همان اوان، آتشکده بوده باشد یا جایگاهی بوده که روزگاری آتشکده‌ای در آن قرار داشته است. عنوان طسوج «در مهر» آنطور که در تاریخ قم از آن یاد شده، یادآور «درب مهریق‌آباد» است که بر روی کاشی مدور با لبه نعلی شکل نیز درج شده است و اشاره به آبادی یا ناحیه‌ای دارد که دروازه‌ای از کاشان به سبب نزدیکی به آن و احتمالاً اهمیتی که در گذشته داشته، به نام آن نامیده شده است. با این اوصاف، مکان دقیق در مهر از تاریخ قم معلوم نمی‌شود و نیاز است تا قراین دیگری جستجو شود.

سپهر کاشانی در ۱۲۹۹ خورشیدی (۱۳۳۸ق) و در جغرافیای مختصر کاشان از درب مهریق به عنوان یکی از دروازه‌های دوره قاجاری کاشان یاد کرده است؛ هرچند نشانی از موقعیت آن به دست نمی‌دهد (سپهر کاشانی ۱۳۵۵، ۴۳۵). لذا معلوم می‌شود که نام درب مهریق که در متنی از سده چهارم به صورت «در مهر» ثبت شده تا دوره قاجار کاربرد داشته و آن را می‌شناخته‌اند. او در فهرستی که از امامزادگان ارائه کرده، از قدمگاه علی نیز نام برده است که به نظر می‌رسد مقصودش زیارتگاه قدمگاه علی در محله سرسنگ در جنوب شرقی کاشان باشد (همان)؛ زیرا این زیارتگاه از جهت آیین‌های مرتبط با زیارت و مرقد امامزاده ضیاءالدین، احتمالاً مکان مهم‌تری محسوب می‌شده است. باید توجه داشت که حدود پنجاه سال پیش از سپهر، کلانتر ضرابی از بقعه قدمگاه حضرت علی بن ابیطالب که قرب دروازه عطا داخل شهر است، یاد کرده و آن را به طور مفصل شرح می‌دهد (کلانتر ضرابی ۱۳۷۸، ۴۴۲ و ۴۴۳). این نشانی در مورد قدمگاه حضرت علی (ع) در محله سرسنگ مصداق دارد. این در حالی است که او در مورد نمونه دیگر در صالح‌آباد از بقعه‌ای «مشهور» به قدمگاه علی (همان، ۴۴۳) یاد کرده است. گویی از نظر او یا در زمان او، قدمگاه علی قرب دروازه عطا از اهمیت و اصالت بیشتری برخوردار بوده است. در عین حال این عدم اشاره سپهر کاشانی به قدمگاه علی درب مهریق نشان از آن دارد که بنای یادشده به هر دلیلی از دوران اوج خود فاصله داشته و چه بسا در آن زمان، وضعیت مناسی هم نداشته است.

حدود ده سال پیش از سپهر و به سال ۱۳۲۷ق، سید محمدحسین رضوی از علمای کاشان در کتاب شجره طیبه که زندگی‌نامه خودنوشت وی است، به مدفن یکی از علمای کاشان اشاره می‌کند: «... مدفنش در طالبی است که قبرستانی است معروف، پشت دروازه مهریق‌آباد که فعلاً ملک‌آباد معروف است» (رضوی ۱۳۵۷، ۳۰). این شناسایی منطقه با ارجاع به نام مهریق‌آباد و همچنین دروازه‌ای به همین نام تا دهه‌های بعد و دهه ۱۳۲۰ خورشیدی ادامه داشته است؛ زیرا کمتر از چهار دهه بعد از اشاره رضوی به قبرستانی در پشت دروازه مهریق‌آباد و به سال ۱۳۲۴ خورشیدی، بر اساس یکی از اسناد دیوان عدلیه کاشان با عنوان «ورقه عرض حال بدیونخانه عدلیه کاشان» نشانی سکونت مدعی علیه حسن آقا اسدی «کوچه دروازه مهریق‌آباد» ذکر شده است (عاطفی ۱۳۹۷، ۳۷). با توجه به تحقیقات میدانی علی بنی کاظمی، باغ و محل سکونت اسدی در خیابان آیت‌الله کاشانی و در محدوده چهارراه دکتر غزنوی قرار داشته است (همان، ۳۸). علاوه بر این باید توجه داشت که مهریق‌آباد در آن زمان، نام کوچه‌ای بوده که از نزدیک بقایای حصار و خیابان شهید رجایی و منطبق با خیابان مازوچی فعلی تا حدود بخشی از خیابان شهید بهشتی فعلی ادامه داشته و سپس با نود درجه چرخش به سمت غرب و جنوب غربی از بالای قبرستان قدیمی عبور می‌کرده است. این بخش از کوچه یادشده، امروز نامش شهید کرباسی است؛ هرچند نزد مردم به کوچه مسجد شامخی نیز شهرت دارد. هنوز هم نام کوچه‌ها و بن‌بست‌های فرعی این بخش واقع در شمال قبرستان ترکیبی است از نام مهریق‌آباد و عددی که در ادامه آن درج شده است. دروازه ملک‌آباد از جمله دروازه‌های بخش شمال غربی حصار شهر است که حسن نراقی با استناد به کتاب شاردن، آن را نزدیک باغی موسوم به ملک می‌داند و ظاهراً نامش نیز طبق شرح شاردن برگرفته از همین همنشینی بوده است (نراقی ۱۳۸۲، ۱۰۲). امروز از این دروازه، اثری برجای نیست اما حدود آن کاملاً مشخص است و شهرت دارد و در نزدیکی چهارراه غزنوی کاشان قرار داشته است. لذا معلوم می‌شود که درب مهریق یا دروازه مهریق‌آباد همان دروازه ملک‌آباد است و تا دوره معاصر، این مکان را هم درب مهریق‌آباد می‌گفته‌اند و هم دروازه ملک‌آباد.

۳. اشخاص و نقش آن‌ها در ساخت بنای تربت‌خانه درب مهریق‌آباد

در کاشی مدور با لبه برجسته نعلی‌شکل، جدای از نام دو تن از امامان شیعه، نام دو نفر دیگر نیز درج شده است. یکی از این افراد که سازنده بنای تربت‌خانه است، حیدر فارس نام دارد. در منابع تاریخی نامی از او یافت نشد. اما بیننده خواب که سید فخرالدین حسن طبری است، احتمالاً باید فخرالدین حسن دوم (۷۰۷-۶۵۳) حاکم ری و ورامین و نواده فخرالدین حسن اول باشد که حکومت به صورت موروثی به او رسیده است. جمال‌الدین کاشانی در کتاب *تاریخ الجایتو*، فخرالدین حسن دوم را ملک ری و ورامین خوانده و از مرگ زودهنگامش در سلطانیه به سال ۷۰۷ ق/ ۱۳۰۷ م خبر می‌دهد (کاشانی ۱۳۴۸، ۷۵). این فوطی می‌نویسد که فخرالدین به سال ۶۹۱ ق از غازان‌خان فرمان ساخت سلطانیه را دریافت کرد و به‌نحو احسن انجام داد (خامه‌یار ۱۳۹۵، ۴۳۵). او فعالیت‌های دیگری نیز در همین زمینه داشته است؛ از جمله ساخت بناهایی همچون برج علاءالدوله در ورامین و امامزاده یحیی که کاشی‌های زرین‌فام آن شهرت بسیار دارد (همان).

در برخی منابع از علاءالدوله، پدر فخرالدین حسن، با عنوان «ملک ری و قم و کاشان» یاد کرده‌اند (همو، ۱۳۹۷). بنابراین ممکن است که دایره حکومت فخرالدین نیز تا کاشان امتداد داشته باشد؛ چنان‌که در وقف‌نامه دارالسیاده کاشان نیز نام وی به‌عنوان یکی از گواهان ثبت شده است (وقف‌نامه ۱۳۳۵، ۱۲۸). اما باید توجه داشت که در کاشی مدور نعلی‌شکل، نام فخرالدین حسن بدون هیچ‌گونه عنوانی ثبت شده و به نظر می‌رسد که او در کار ساخت بنا هیچ نقشی نداشته است. از طرف دیگر، فخرالدین در سال ۷۰۷ ق/ ۱۳۰۷ م در گذشته است و دو کاشی موجود که این خواب را روایت کرده‌اند، تواریخ ۷۱۱ و ۷۶۱ ق دارند و مربوط به زمان حیات وی نیستند؛ هرچند ممکن است این احتمال پیش کشیده شود که نسخه قدیمی‌تری از این کاشی نیز وجود دارد. این احتمال ضعیف است زیرا به نظر می‌رسد که آوردن نام فخرالدین حسن در این ماجرا بیشتر وجه نمادین داشته است تا واقعی. مهم‌ترین دلیل برای این موضوع، متن خود کتیبه کاشی مورد نظر است.

در کتیبه، اساساً وظیفه‌ای در جهت ساخت تربت‌خانه بر عهده فخرالدین حسن گذاشته نشده است؛ الا اینکه جای نشستن امام علی (ع) و موضع آنچه را در خواب دیده در محل باغ مشخص کند و جا و اندازه بنای تربت‌خانه را نشان دهد. باید توجه داشت که بنا بر متن کتیبه، از قول امام علی (ع) نوشته شده که «اشارت خواهم فرمود تا اینجا بنیاد تربتی عالی بنهند.» با این عبارت، تکلیفی بر عهده سید فخرالدین گذاشته نشده است. در عوض، این حیدر فارس بوده که بنا را ساخته و دو زن و دو مرد دیگر خواست امام را به سمع او رسانده‌اند. نکته مهم این است که حیدر فارس برای ساخت بنایی با این اهمیت تلاش نکرده است تا بیننده اولیه خواب را ببیند و اطلاعاتی را از او جویا شود. گویی رؤیای نخست در خواب دو زن و دو مرد بعدی، مستتر بوده است و نام سید فخرالدین از این بابت آورده شده تا هم اهمیت موضوع نشان داده شود و هم در ضمن نام او، گواهی بر صحت موضوع باشد. این موضوع که فرد مهمی خارج از بازه زمانی حیات او در جریان امری مهم حضور دارد، نمونه‌های مشابه دیگر نیز دارد. ما در دوره‌های بعد، تذکره‌هایی مربوط به زیارتگاه‌های کاشان می‌بینیم که در آن‌ها شخصیت‌ها یا حاکمانی حضور دارند که اساساً به دلیل اختلاف زیاد زمانی، حضورشان در آن واقعه غیرممکن بوده است؛ مانند تذکره‌های زیارتگاه‌های پنجه‌شاه و تاج‌الدین کاشان که در متن آن‌ها قاضی احمد غفاری حاکم دوره زندگی کاشان حضور دارد (پنجه‌شاه ۱۳۹۰؛ تاج‌الدین ۱۳۹۰).

۴. مکان‌ها و فضاها؛ جستجو در بیرون درب مهریق‌آباد کاشان

در جهت بررسی وضعیت جایی که در متون تاریخی و همچنین متن کتیبه کاشی مدور موزه سور نشانی آن داده شده، توجه به محدوده‌ای در بیرون حصار ناحیه شمالی و شمال غربی کاشان واجد اهمیت است. در ادامه، محدوده یادشده زیر سه عنوان گورستان، محوطه مجموعه قدمگاه و بنای گنبددار کهن بررسی خواهد شد.

۴.۱. گورستان

گورستان بزرگی در مقابل دروازه ملک‌آباد یا مهریق‌آباد تا همین چند دهه پیش وجود داشته که حدود آن از چهارراه غزنوی تا حدود کوچه مسجد شامخی در نزدیکی چهارراه امتداد داشته است. وضعیت تغییر شکل یافته این قبرستان در

حال حاضر دربردارنده محل بسیج سپاه پاسداران کاشان و چند مدرسه است و خیابان شهید بهشتی که در امتداد خیابان فاضل نراقی ساخته شده، از داخل گورستان عبور کرده است. حتی مقابری از علما را که در عکس هوایی سال ۱۳۳۵ قابل مشاهده هستند (تصویر ۵)، تا سال‌های قبل در محدوده بسیج نگهداری می‌کرده‌اند.



تصویر ۵: محدوده گورستان پشت دروازه درب مهریق یا ملک‌آباد. در عکس هوایی سال ۱۳۳۵ قبور و برخی بقعه‌ها قابل مشاهده است (سازمان نقشه‌برداری کشور).

این نوع گورستان‌ها بخشی از خصوصیات شهری کاشان را بازنمایی می‌کنند و از جمله نمونه‌های درون حصار آن، دو گورستان پنجه‌شاه و درب باغ است و همچنین دو گورستان در شمال زیارتگاه سلطان میراحمد و جنوب غربی زیارتگاه میرنشانه. علاوه بر این، کاشان گورستان‌های بیرون حصار نیز داشته است؛ همچون گورستان فیض و گورستانی در جنب زیارت سلطان عطابخش که این دومی متصل به حصار بوده است. به نظر می‌رسد گورستان مورد نظر که رضوی از آن با عنوان طالبی یاد می‌کند و جایش را پشت دروازه مهریق‌آباد ذکر کرده، همان محدوده‌ای است که بنا بر عکس‌های هوایی دهه ۱۳۴۰ فضایی خالی است (تصویر ۷). در عکس هوایی ۱۳۳۵، محدوده شهر و جای لبه شمالی حصار در حدود خیابان شهید رجایی قرار دارد و در شمال خیابان یادشده، بقایای گورستان قابل تشخیص است (تصویر ۵). لذا روشن می‌شود که گورستان بیرون از حصار قرار داشته است. این موضوع در نقشه‌سازی شده وضعیت آخر دوره قاجار کاشان نیز قابل مشاهده است (تصویر ۶).

کمی بالاتر از حدود گورستان، دو مزرعه صالح‌آباد و جمال‌آباد قرار داشته و اکنون نیز منطقه‌ای به نام جمال‌آباد، بالاتر از این قبرستان وجود دارد. همچنین اهالی منطقه از باغ‌های صالح‌آباد در حدود کوچه مسجد شامخی اطلاع دارند. حسن عاطفی در مقاله‌ای با عنوان دروازه حاج جمال از مشاهدات خود درباره این دروازه و محلات و باغ‌های اطراف آن در حدود سال‌های ۱۳۳۰ خورشیدی می‌گوید: «بیرون دروازه (حاج جمال) باغ‌ها و اراضی مزرعه چهارباغ و قبرستان قدمگاه بود و سپس باغ‌های مسیر آب صالح‌آباد و دشت جمال‌آباد وجود داشت» (عاطفی ۱۳۹۷، ۱۹) و ادامه می‌دهد که مزرعه جمال‌آباد یکی از آثار حاج جمال است که در کنار مزرعه صالح‌آباد قرار داشت (همان، ۲۰). باید توجه داشت که مشاهدات عاطفی با مستندات از اواخر سده سیزدهم هجری قمری هماهنگی دارد. کلاتر ضرابی ضمن برشمردن مزارع کاشان در دوره قاجاری مزارع ناجی‌آباد، زیدی، صالح‌آباد، جمال‌آباد و عیسی‌آباد را پنج مزرعه غربی شهر کاشان به



تصویر ۶: محدوده گورستان پشت دروازه درب مهریق یا ملک آباد در نقشه بازسازی شده کاشان دوره قاجار (مهندسان مشاور شهروخانه بر اساس مطالعات بیرشک)

شمار می آورد (کلاتر ضرابی ۱۳۷۸، ۱۳۳). عکس هوایی سال ۱۳۴۳ هم مسیرهای آب در راستایی هم‌ردیف با باغ‌های جنب قدمگاه را نشان می‌دهد و هم خود آبادی‌های صالح آباد و جمال آباد را در بر دارد (تصویر ۷). گورستان بیرون حصار، گاه در بیرون دروازه حاجی جمال (همان، ۴۴۳) یا آنطور که رضوی اشاره می‌کند، بیرون دروازه مهریق آباد یا ملک آباد ذکر شده است (رضوی ۱۳۵۷، ۳۰). این دو نشانی با یکدیگر منافاتی ندارند. بر اساس نقشه بازسازی شده کاشان اواخر دوره قاجار، محل تقریبی دروازه ملک آباد در تقاطع امتداد دو معبر قدیمی با نام‌های امروزی سرو و بنی هاشمی (کوچه پشت باره) با گذر طاهر و منصور (خیابان ملک آباد) که به بیرون بارو منتهی می‌شود قابل تصور

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۱۸ - پاییز و زمستان ۹۹

۹۹



تصویر ۷: محدوده گورستان پشت دروازه درب مهریق یا ملک آباد و باغ‌ها و آبادی‌های صالح آباد و جمال آباد در عکس هوایی سال ۱۳۴۳ (سازمان نقشه برداری کشور)

است. در بیرون این دروازه، امتداد گذر طاهر و منصور بلافاصله به یک دوراهی ختم می‌شود. راه قدیمی که به سوی غرب منحرف می‌شود، راه اتصال دهنده کاشان به شهرهای غربی است و راه قدیمی به سوی شرق، با گذر از جنوب گورستان بیرون حصار سرانجام به راه آغاز شده از دروازه آقاجمال (جمال آباد) که به سوی قم می‌رود، ختم می‌شود. این دروازه خودش در امتداد گذر فخرآور است که از سوی جنوب به محله و گذر طمقچی‌ها و بازار متصل می‌شود (تصویر ۶). این راه‌ها در عکس هوایی سال ۱۳۳۵ قابل مشاهده‌اند (تصویر ۸). لذا روشن می‌شود که گورستان مورد نظر جایی در شمال حصار کاشان و میان دو دروازه حاجی جمال و ملک‌آباد یا مهریق‌آباد واقع بوده و از این روست که به نشانی آن در نسبت با هر دو دروازه اشاره شده است.



تصویر ۸: گذر طاهر و منصور و گذر فخرآور که در گذشته به دروازه‌های ملک‌آباد و حاجی جمال ختم می‌شدند در عکس هوایی سال ۱۳۳۵ (سازمان نقشه‌برداری کشور)

۲.۴. محوطه بنای قدمگاه صالح‌آباد

کلاتر ضرابی در ذکر مزارات و بقاع کاشان از بقاع‌الخیر قدمگاه صالح‌آباد در خارج از دروازه حاجی جمال و قریب به باغ حاجی محمدجعفر که در تملک امین‌الدوله است، یاد کرده و می‌گوید که «صحن و گنبد و دستگاهی است عالی» (ضرابی ۱۳۷۸، ۴۴۳). وی در توصیف این قدمگاه که در آن اثر پایی بر سنگ دیده می‌شود، می‌گوید: «در آن بقعه‌ای است مشهور به قدمگاه علی و در آن نیز، در سنگی آثار پایی است و در صحن و اطراف آن قبرستان بزرگی است و نیز دخمه‌ای در آنجا برای امانت رفتگان کنده‌اند و در شب‌های جمعه جنجال و جمعیتی از زن و مرد در آن مکان می‌شود و چراغ‌ها افروزند و خیرات و میرات نمایند» (همان‌جا). پس معلوم می‌شود که از همان دوران در حدود این قدمگاه، قبرستانی بوده است و برخی علمای قاجار همچنان که ذکر شد، در اینجا مدفون بوده‌اند.

در جوار گورستان قدیمی بیرون حصار و در حاشیه غربی وضعیت قابل مشاهده از گورستان در دهه ۳۰ و ۴۰ خورشیدی، بنایی دارای طاق میانی بلندی در بر کوچه مسجد شامخی واقع شده است که به زیارتگاه قدمگاه شهرت دارد (میراث فرهنگی کاشان ۱۳۸۲). این مجموعه تقریباً در انتهای کوچه قدیمی قدمگاه و در میانه کوچه‌ای واقع شده است که امروز به مسجد شامخی شهرت دارد. عکس هوایی سال ۱۳۴۳ محدوده و شکل کلی مجموعه را نشان می‌دهد (تصویر ۹). بنا بر همین عکس، در بر معبر و در سوی غربی کوچه و تقریباً مقابل یک آب‌انبار که تا امروز باقی مانده، بنایی مرکب از چند بخش در جنب معبر قرار گرفته است. مجموعه مورد نظر در زمینی مستطیل شکل واقع شده که

زمین مربع شکل دیگری در جنوب آن واقع است. بخش مستطیل شکل شامل سه بخش می شود: نخست، بنایی که در میانه آن، طاق گنبدمانند بزرگی دارد و در میانه زمینی مستطیل شکل و کشیده واقع شده است؛ دوم، حیاطی که از بنای دارای طاق بزرگ وسیع تر است و در شرق زمین قرار دارد. این بنا احتمالاً همان جایی است که ضرابی آن را توصیف کرده و شامل بقعه و صحنی دانسته است (ضرابی ۱۳۷۸، ۴۴۳). در پشت بنای دارای طاق مرکزی بزرگ و در سوی غرب آن نیز آثار باغ کوچکی پیداست که احتمالاً حیاط خصوصی تر مجموعه بوده است؛ هر چند این بخش باغ کوچک در دهه های اخیر جزئی از مجموعه نبوده و به نظر می رسد از طرف اوقاف واگذار شده است.



تصویر ۹: محدوده پیرامون قدمگاه صالح آباد در عکس هوایی سال ۱۳۴۳. مجموعه قدمگاه و صحن آن در تصویر مشخص شده است (نگارندگان بر اساس عکس هوایی سازمان نقشه برداری کشور).

این بنا که در میان مردم به قدمگاه صالح آباد شهرت دارد و با وجود ارزش های معماری و تاریخی و مذهبی متأسفانه در اردیبهشت ۱۳۹۷ توسط شهرداری تخریب شده، در دهه های گذشته اعتبار مذهبی خود را از دست داده و برای مدتی به منزل مسکونی تبدیل شده و سپس نیز برای سال ها متروکه بوده است (تصویر ۱۰). دقت در عکس هوایی نشان می دهد که بنا با دیواری از معبر منفک شده و دو رواق یا طاق نما در دو سمت شمالی و جنوبی خود دارد و سمت غربی آن با بنای دارای طاق بزرگ مرکزی محدود شده است. شکل سایه دیوارها و امتداد دیوارها و فضاها نشان می دهد که احتمالاً این حیاط مربع شکل در سوی شرقی معبر نیز ادامه یافته است. در منتهی الیه شرقی حیاط مجموعه و در شرق معبر یا کوچه مسجد شامخی، سازه هایی قابل مشاهده است که نشان از آن دارد که ورودی مجموعه در آنجا واقع بوده است.

بر این اساس دو فرض قابل تصور است. یا کوچه شامخی نسبت به حیاط کشیده و مستطیل شکل واقع در شرق بنای دارای طاق بزرگ مرکزی در دوره های متأخرتر ساخته شده است و لاجرم در سر راه خود حیاط کشیده را به دو نیم تقسیم کرده یا اینکه اساساً معبر از میانه حیاط عبور می کرده است. احتمال ترکیب دوم بعید است؛ به نظر می رسد این بخش از کوچه متأخرتر از حیاط محصور مورد نظر است. این با وضع تاریخی محدوده مورد نظر هماهنگی دارد؛ زیرا به نظر می رسد نیمه دوم کوچه مسجد شامخی که انتهای کوچه قدیمی قدمگاه است، با توجه به قرارگیری در بر شمالی قبرستان چندان شکل مشخصی نداشته و بعدها صورت مشخص تری یافته است (تصویر ۹).



تصویر ۱۰: بنای دارای طاق بزرگ در میانه که در جلو آن صحن بزرگی قرار داشته است. این بنا در سال ۱۳۹۷ تخریب شده است.

نکته دیگر این است که کل مجموعه بنا بر شکل حیاط و آثار ورودی واقع در ضلع شرقی حیاط، رو به سوی بخشی از شهر و بارو داشته است که دروازه حاجی جمال در همان محدوده واقع بوده است. این جهت گیری بنا رو به سمت دروازه یادشده تا حدودی روشن می کند که چرا کلاتر ضرابی جای قدمگاه صالح آباد را در خارج دروازه حاجی جمال ذکر کرده است و نه پشت دروازه مهریق آباد؛ زیرا به نظر می رسد از زمان شکل گیری راه قدیمی موسوم به کوچه قدمگاه که ممکن است در ابتدا راهی بیرون حصار و با شکلی اولیه بوده باشد، ارتباط آن با دروازه مهم تر حاجی جمال بیشتر شده باشد. به نظر می رسد خود دروازه یادشده تحت تأثیر تغییر راه های اطراف کاشان و تغییر پایتخت از اصفهان به تهران اهمیت بیشتری یافته باشد. در عین حال باید توجه داشت که بنای دارای طاق بزرگ در میانه و حیاط محصور واقع در شرق بنا در حاشیه بخش قابل شناسایی از گورستان قدیمی در دهه ۱۳۴۰ واقع شده اند (تصویر ۷ و ۹). این ساخت در حاشیه گورستان که بنا و صحنی را در کنار هم نشان می دهد، یادآور نمونه های دیگری از این نوع ترکیب بناهای مذهبی و زیارتی در حاشیه گورستان های کاشان است. برای نمونه می توان به ترکیب زیارتگاه سلطان میراحمد و صحن و ورودی آن در جنوب محوطه گورستان واقع در محله سلطان میراحمد اشاره کرد که الگویی مشابه دارد و در آن نیز ترکیبی از زیارتگاه و صحن متصل به آن رو به بخش مرکزی گورستان سازمان دهی شده است.

بر این اساس، ترکیب حیاط مقابل بنای دارای طاق بزرگ باید دست کم به پیش از زمانی بازگردد که ضرابی آن را در ارتباط با دروازه حاجی جمال وصف کرده است. این با بررسی وضعیت بنای دارای طاق بزرگ همخوانی دارد؛ زیرا بنای یادشده بر اساس خصوصیات معماری قابل انتساب به دوره صفوی تا اوایل قاجار بوده است.

در نگاهی کلی تر به عکس هوایی سال ۱۳۴۳ می توان در شمال غربی محوطه باقی مانده از گورستان، مجموعه ای وسیع از باغها را مشاهده کرد. با دنبال کردن این ردیف باغهای به سمت غرب و ارتفاعات ناحیه فین می توان رد قناتهایی را مشاهده کرد که این باغها از آنها مشروب می شوند. جایی در حدود منتهی الیه غربی شهر در دهه آخر نیمه اول سده حاضر و در گوشه سمت چپ و پایین تصویر ۱۱، رد خاکریز میله های قنات ناپدید شده است. در سوی شرقی این محل ناپدید شدن میله های قنات و بنا بر عکس هوایی سال ۱۳۳۵ ردی از مسیر جوی های آب قابل مشاهده است که به نظر می رسد آب قناتها را به محدوده صالح آباد منتقل می کنند (تصویر ۱۲). علاوه بر این تصویر هوایی سال ۱۳۴۳ در جایی در شمال گورستان و مجموعه باغهای صالح آباد، رد جوی های آبی را نشان می دهد که پس از محدوده های یادشده به سمت پایین دست در جریان هستند (تصویر ۷).



تصویر ۱۱: محدوده شمال غربی کاشان در سال ۱۳۴۳. در گوشه سمت چپ و پایین تصویر، رد قنات و میله‌های آن دیده می‌شود. در عین حال مسیر جوی‌های آب در شمال صالح‌آباد قابل مشاهده است که آب را به نواحی شمال شرقی و پایین دست منتقل می‌کنند (سازمان نقشه‌برداری کشور).



تصویر ۱۲: محدوده باغ‌های صالح‌آباد در عکس هوایی سال ۱۳۳۵ و رد جوی‌هایی که آب قنات را به این محل می‌آورند (سازمان نقشه‌برداری کشور).

دقت در عکس هوایی سال ۱۳۴۳ در پیرامون بنای قدمگاه و بیشتر در شمال آن ردی از یک باغ را نشان می‌دهد؛ هرچند این باغ ممکن است به قدمت بناهای مورد نظر نباشد، باید توجه داشت که تهیه‌کنندگان پرونده ثبت اثر در فهرست آثار ملی در توضیح تصویری از نمای شمالی بنای گنبددار به باغی قدیمی اشاره کرده‌اند که در کنار بنای یادشده وجود داشته است (تصویرهای ۷ و ۹). رد کمرنگی از این باغ در عکس هوایی سال ۱۳۴۳ قابل مشاهده است و به نظر می‌رسد که این باغ یا یکی دیگر از باغ‌های همان اطراف باید باغ حاجی محمدجعفر باشد که بنا بر شرح ضرابی

در تملک امین‌الدوله بوده و بنای قدمگاه در قرب آن قرار داشته است (ضرابی ۱۳۷۸، ۴۴۳). این وضعیت ناشی از حضور باغ‌ها و قنات‌ها و جوی‌های آب، یادآور متن خواب‌نما نیز هست که رخدادهای مرتبط با آن درون باغی به نام امیر رخ داده بود. رد این محدوده در عکس هوایی سال ۱۳۷۸ نیز قابل مشاهده است. این عکس در محدوده باغ مورد نظر، پلاک‌های مسکونی را نشان می‌دهد. تعدادی از این پلاک‌ها هنوز در سال ۱۳۷۸ زیر ساخت‌وساز نرفته بودند؛ از جمله پلاکی که دقیقاً در شمال بنای گنبددار قرار گرفته و پلاک‌های دیگری در شمال این قطعه زمین یاد شده است (تصویر ۱۳). این وضعیت در عکس هوایی سال ۱۳۴۳ به ترکیب اولیه نزدیک‌تر است و اراضی خالی از ساخت‌وساز پیرامون محل قدمگاه قابل مشاهده است (تصویر ۹).



تصویر ۱۳: محدوده پیرامون بنای قدمگاه صالح‌آباد در سال ۱۳۷۸؛ در تصویر بزرگ‌نمایی سمت راست، دو ساختمان مسکونی که در باغ کوچک پشت عمارت دارای طاق بزرگ ساخته شده‌اند قابل مشاهده است (نگارندگان بر اساس عکس هوایی سازمان نقشه‌برداری کشور)

۳.۴. بنای گنبددار قدمگاه صالح‌آباد

در سمت جنوب بنای دارای طاق بزرگ و مشهور به قدمگاه صالح‌آباد که صحنی در شرق و باغ کوچکی نیز احتمالاً در غرب خود داشته، بنای دیگری واقع شده است که در حال حاضر صورتی نیمه‌مخروبه دارد. این بنا که وقفی و در تملک اداره اوقاف است (میراث فرهنگی کاشان ۱۳۸۲) در سال ۱۳۸۴ و به نام «بنای آرامگاه قدمگاه صالح‌آباد» و به شماره ۱۲۱۰۷ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. این بنا چندان شناخته‌شده نیست و مردم محلی آن را به نام خاصی نمی‌شناسند. این وضعیت در سال ۱۳۸۲ و به هنگام تهیه پرونده ثبت اثر نیز وجود داشته است (همان). بنا بر پرونده ثبت اثر و بر اساس تصویرهای سال ۱۳۸۲، وضعیت بنا در آن زمان نیز نیمه‌مخروبه بوده است؛ با این تفاوت که بنای دارای طاق بزرگ و موسوم به قدمگاه که در شمال این بنای گنبددار واقع شده، در آن زمان در جای خود بوده است. در سال ۱۳۸۲، قطعه زمین واقع در غرب بنای گنبددار هنوز زیر ساخت‌وساز نرفته و به عرصه بنای گنبددار نیز دست‌اندازی نشده است؛ زیرا در یک عکس از سال ۱۳۸۲ ورودی دخمه زیر بنای گنبددار قابل مشاهده است (تصویر ۱۴). در حال حاضر، این ورودی در حیاط خانه ساخته‌شده در پلاک واقع در غرب بنای گنبددار قرار گرفته است و از کم و کیف آن نیز اطلاعی در دست نیست.

بنای گنبددار یک گنبدخانه مربع‌شکل و دارای درگاه به هر چهار سو است و در بیرون خود به‌شدت فرسوده شده است. این بنا در سوی شمال و شمال شرقی الحاقاتی دارد که عمدتاً به‌صورت مخروبه درآمده‌اند و بنا بر نحوه ترکیبشان با بنای اصلی گنبدخانه به نظر می‌رسد که متأخرتر باشند. وضعیت بنا نشان از تعمیر در دهه‌ها و سده اخیر ندارد و به



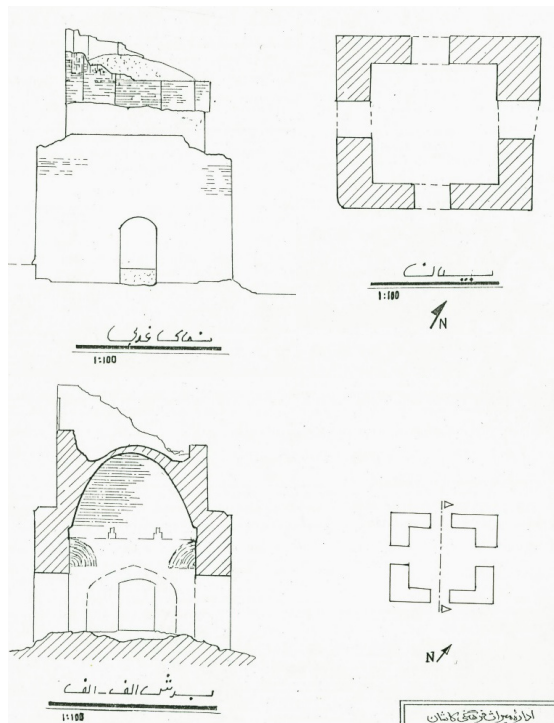
تصویر ۱۴: وضعیت نمای غربی بنای گنبددار در سال ۱۳۸۲ و پیش از ساختن قطعه زمین غربی بنا. در منتهی‌الیه سمت راست تصویر ورودی دخمه قابل مشاهده است. با ساختن این قطعه و تجاوز آن به عرصه باقی‌مانده بنای گنبددار، از وضعیت دخمه و ورودی آن اطلاعی در دست نیست (میراث فرهنگی کاشان ۱۳۸۲).

نظر می‌رسد برای مدتی بسیار طولانی بلااستفاده بوده و به آن رسیدگی نشده است. این موضوعی است که با ناشناخته بودن آن نزد مردم و عدم وجود نامی مشخص برای آن هماهنگی دارد. بنای یادشده گنبدخانه‌ای است تقریباً مربع‌شکل که ابعاد فضای داخلی آن تقریباً $4/70$ در $4/60$ متر است و از بیرون نیز ابعادی تقریباً برابر با $6/90$ در $6/75$ متر دارد. بنا خشتی است و ابعاد خشت‌های به‌کاررفته در آن برابر با 6 در 24 در 24 سانتی‌متر است. روی این گنبدخانه، ساقه گنبدی که منشوری دوازده‌ضلعی است، دیده می‌شود. این ساقه پوششی آجری دارد و به نظر می‌رسد که پایین‌ترین رج آجرهای باقی‌مانده باید سطح بام بنا بوده باشد؛ هرچند در حال حاضر به دلیل فرسایش شدید بنا، لبه و سطح بام قابل تشخیص نیست. این فرسایش بام در جهات مختلف بنا متفاوت است و بین 80 تا 130 سانتی‌متر متغیر است. ساقه آجری گنبد که آجرچینی ساده‌ای به‌صورت معقلی دارد، در وضعیت فعلی حدود 110 سانتی‌متر ارتفاع دارد و روی آن گریو گنبد به‌صورت منشوری دوازده‌ضلعی با تزئین آجرکاری قابل مشاهده است؛ هرچند بخش‌های قابل توجهی از این گریو تخریب شده است. ارتفاع بیشترین جایی که از این گریو باقی مانده، در حال حاضر حدود 190 سانتی‌متر است و ممکن است ارتفاع آن در وضعیت اصلی از این هم بیشتر بوده باشد. با توجه به گریو دوازده‌ضلعی گنبد، به نظر می‌رسد که خود گنبد نیز از نوع رک دوازده‌ضلعی بوده باشد (تصویر ۱۵).

در داخل گنبدخانه و در چهار گوشه بنا چهار فیل‌پوش، پلان مربع گنبدخانه را به هشت‌ضلعی تبدیل می‌کنند. فیل‌پوش‌ها از ارتفاع تقریبی 240 سانتی‌متر شروع شده و تا ارتفاع تقریبی 350 سانتی‌متری از کف ناصاف گنبدخانه ادامه یافته‌اند. بالای فیل‌پوش‌ها حلقه‌ای سراسری به ارتفاع 45 سانتی‌متر قابل مشاهده است که رف یا تورفتگی تزئینی مربع‌شکلی را در دورتادور گنبدخانه شامل می‌شود. لبه بالای این تورفتگی حالتی پلکانی دارد. بر بالای این حلقه ساخت‌شده بر روی چپیره‌های فیل‌پوش، آهیانه گنبد جای گرفته است. آهیانه مقطعی بیضی‌شکل دارد و در نسبت به دهانه از خیز قابل توجهی در حدود 3 متر برخوردار است (تصویر ۱۵).

تهیه‌کنندگان پرونده ثبت اثر، بنای گنبددار را به‌واسطه قوس بیضی‌شکل آهیانه و گوشه‌سازی‌ها به شیوه اولیه یا فیل‌پوش (فیل‌گوش) دارای قدمت زیادی دانسته‌اند که حداقل به دوران اوایل ایلخانی و یا سلجوقی بازمی‌گردد (میراث فرهنگی کاشان ۱۳۸۲). در غرب این بنا دخمه‌ای قرار دارد که ورودی آن اکنون در حیاط خانه مجاور که به حدود بنای گنبددار تجاوز نموده، واقع شده است. لذا ورود به این دخمه در حال حاضر میسر نیست. اما بر اساس عکس‌های سال ۱۳۸۲، ورودی دخمه از قطعه زمین واقع در غربی بنای گنبددار میسر است (تصویر ۱۴) و گفته می‌شود که دخمه یادشده

به صورت دستکند و مشابه سرداب‌های دستکند منطقه کاشان بوده و یک اتاق یا پستو را نیز شامل می‌شده است. در عین حال گفته می‌شود که دخمه یادشده در زیر بنای گنبددار واقع نشده بلکه در جوار آن قرار دارد (زیارتی ۱۳۹۹).



تصویر ۱۶: بالا راست: بنای گنبددار در سال ۱۳۹۷، دیدی از سوی شمال و جایی است که قبلاً بنای تخریب‌شده دارای طاق مرکزی بزرگ قرار داشته است. بالا چپ: بنای گنبددار در سال ۱۳۸۲، نماهای غربی و جنوبی بنا؛ پایین راست: داخل گنبدخانه؛ یکی از قیل‌پوش‌ها به‌خوبی قابل مشاهده است؛ پایین چپ: جزئیات یکی از قیل‌پوش‌ها در سال ۱۳۸۲ (نگارندگان و میراث فرهنگی کاشان ۱۳۸۲)

تصویر ۱۵: راست: پلان بنای گنبددار صالح‌آباد در سال ۱۳۸۲. چپ: نمای غربی بنای گنبددار که در تصویر ۱۴ هم قابل مشاهده است. پایین: برش شرقی-غربی بنای گنبددار با دید به سوی شمال؛ وضعیت داخل گنبدخانه هم‌اکنون هم قابل مشاهده است. اما بیرون بنا بیشتر فرسوده شده است (میراث فرهنگی کاشان ۱۳۸۲).

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۱۸ - پاییز و زمستان ۹۹

۱۰۶

۵. تربت‌خانه ایلخانی کاشان: نسبت کاشی‌های موزه سور پاریس و بنای گنبددار صالح‌آباد

بنای مقدس و یادمانی در جوار گورستان قدیمی، الگویی است که در کاشان درون حصار و خارج از آن نمونه‌های مشابه دارد. عکس‌های هوایی دهه ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ به‌خوبی آثار باقی‌مانده از گورستان را نمایش می‌دهند. علاوه بر این، محدوده مورد نظر با نام قدمگاه شناخته می‌شود و بنایی برای زیارت را نیز شامل می‌شده است؛ هرچند این بنا در سال ۱۳۹۷ تخریب شده است. این بنای یادشده در نقشه‌ای از حسن نراقی که در دهه ۱۳۴۰ تهیه شده، بازتاب یافته و علاوه بر این، او در همین نقشه محدوده باغات قدمگاه را نیز مشخص کرده است (تصویر ۱۷). این موضوع هم با شرح ضرابی در دهه ۱۲۸۰ ق هم‌مانگی دارد و هم با عکس‌های هوایی دهه ۱۳۴۰ خورشیدی که منطقه صالح‌آباد را پیش از توسعه شهری دهه‌های اخیر نشان می‌دهد. در عین حال، اشاره ضرابی در بردارنده انتساب قدمگاه به محدوده صالح‌آباد است و لذا نمی‌توان آن را با قدمگاه دیگر کاشان در سمت شمال شرقی و در محله سرسنگ یکی دانست. نشانه دیگر، نزدیکی قدمگاه به درب مهریق یا دروازه‌ای از کاشان در همان حوالی است که نشان می‌دهد موقعیت کلی محدوده مورد نظر با آنچه متن کتیبه کاشی موزه سور می‌گوید، یکی است یا قرابت بسیار زیادی دارد.



تصویر ۱۷: بخشی از کاشان با اشاره به زیارت قدمگاه که بنایی دارای صحن است و همچنین باغات قدمگاه در دهه ۱۳۴۰ و توسط حسن نراقی (نراقی ۱۳۴۸).

مکان فعلی آنطور که ضرابی هم تأکید کرده قدمگاه علی نام دارد؛ چنان که قبرستان مجاور آن هم به قبرستان قدمگاه علی شهرت داشته است. امروز نیز به حدود این بنا و البته به بنای تخریب شده قدمگاه می‌گویند. بنایی که در لوح زرین فام به ساخت آن اشارت شده نیز بنا بر ساختار آن باید بنایی یادمانی یا قدمگاهی باشد؛ زیرا یکی از علت‌های ساخت قدمگاه دیدن رؤیاست و در جایی که شخصی مقدس در رؤیا دیده شده، قدمگاه بنا می‌کنند و معمولاً علت ساخت بنا را دستور فرد مقدس خواب‌نامشده می‌دانند و لذا به لحاظ کاربری نیز همخوان است. در این مورد باید توجه داشت که واژه تربت که آن نیز در متن کتیبه به کار رفته، هم‌راستا با کاربرد قدمگاه است؛ زیرا باور شیعیان بر آن است که در همان دوران در سلطانیه، تربت‌خانه‌ای برای گذاشتن تربت خاک نجف و کربلا ساخته شده که می‌تواند کاربرد یادمانی داشته باشد. گرچه تربت به معنای مزار هم هست، همان طور که در متن رؤیا آمده، قصد اصلی از ساخت بنا تربت‌خانه‌ای یادمانی بوده و نه مزار.

باید توجه داشت که احتمالاً به دلایلی که برای ما شناخته شده نیست، بنای گنبددار که ساخت آن احتمالاً موضوع رؤیایی مکتوب شده بر کاشی است، اهمیت و اعتبار خود را از دست داده و سپس در فاصله زمانی دوره صفوی تا نیمه اول قاجار، بنای دارای طاق مرکزی بلند و مشرف به صحن، از نظر کارکردی جای آن را گرفته است. این موضوع چندان غریب نیست؛ زیرا خود بنای دارای صحن نیز در سده حاضر، اعتبار و کارکردش را از دست داده است. این موضوع ممکن است دلایل متفاوت داشته باشد. برای مثال، عدم دفن یکی از اولیا ممکن است به تداوم نیافتن اعتبار بنا منجر شده باشد. موضوعی که می‌توان آن را به نحوی دیگر در قدمگاه علی قهرود یافت؛ هرچند آن بنا در قامت یک مسجد به حیات خود ادامه داده است. در عین حال موضوع یادشده در مورد قدمگاه علی محله سرسنگ کاشان مصداق ندارد؛ زیرا انتساب آن به امامزاده ضیاءالدین ممکن است سبب تداوم اهمیت آن شده باشد. اما انتقال اهمیت کارکردی قدمگاه از بنای گنبددار به بنای دارای صحن ممکن است طور دیگری نیز توجیه شود. گنبدخانه کوچک مورد نظر از نظر اندازه به گنبدخانه زیارتگاه سلطان میراحمد و از نظر اندازه و شکل در نقشه و برش، به گنبدخانه زیارتگاه پنجه‌شاه کاشان بسیار نزدیک است. شباهت میان بنای گنبددار قدمگاه صالح‌آباد با گنبدخانه زیارتگاه پنجه‌شاه در شکل و ابعاد گنبدخانه و شکل و تعداد ترک‌های گنبد و در ارتفاع پایین ساخته شدن گوشواره‌ها و مرتفع بودن آهیانه قابل مشاهده است (تصویر ۱۸) و این موضوع می‌تواند نشانی از شباهت الگوی آن‌ها و زمانه ساختشان باشد.

می‌رسد ساخته‌های جانبی که فعلاً به صورت مخروبه هستند، بدون برنامه مشخصی در جهت توسعه یک گنبدخانه و تبدیل آن به زیارتگاهی بزرگ‌تر شکل گرفته‌اند. علت این موضوع را می‌توان تا حدودی با بستر شکل‌گیری بنای گنبددار صالح‌آباد مرتبط دانست. به نظر می‌رسد هسته‌های اولیه زیارتگاه‌هایی چون سلطان میراحمد و پنجه‌شاه داخل و یا در جوار گورستان شکل گرفته باشند. اما بنای گنبددار صالح‌آباد بنا بر متن کتیبه درون یک باغ ساخته شده است و شاید بتوان اینطور توجیه کرد که هسته مرکزی بنا در ارتباط با فضای باغ باقی مانده است. این موضوعی است که هنوز و در آخرین وضعیت باقی‌مانده بنا قابل مشاهده است.

قرینه دیگری که می‌تواند به ما در انتساب بنای موجود در صالح‌آباد به تربت‌خانه مذکور در متن کتیبه کاشی(ها) کمک کند، ابعاد و اندازه بنای موجود و بنای مورد نظر در متن کتیبه است. در متن کتیبه گفته شده که بیننده خواب در اثناء این حال از خواب بیدار شد و به باغ امیر رفت و مربعی به ابعاد بیست و پنج خشت در بیست و پنج خشت کشید. این ارائه اندازه از طریق تعداد خشت با ابعاد فعلی بنای گنبددار یا تربت‌خانه مورد نظر که طول و عرضش تقریباً برابر با ۶/۹۰ در ۶/۷۵ متر و طول و عرض خشت‌هایش ۲۴ در ۲۴ سانتی‌متر است، هماهنگی دارد.

موضوع بعدی که ما را بدین امر رهنمون می‌کند، عنوان و کاربرد قدمگاهی بنای کنونی است که با کاربردی که در کاشی ایلخانی آمده سازگار است؛ زیرا در این کتیبه آمده است که امام علی(ع) در خواب به شخص بیننده خواب گفت که برای من تربتی بسازند تا مردم برای زیارت من بدان جا بیایند. اساساً بیشتر قدمگاه‌ها خواب‌نما هستند و باورمندان معتقدند که امام در خواب به نقطه قدمگاهی آمده و لذا لازم است برای یادمان حضورش در این نقطه، قدمگاه بنا شود. امری که تقریباً در همان دوران نیز درباره قدمگاه علی قهرود صدق می‌کرده و اکنون این جایگاه در مسجد علی قهرود است و جریان خواب‌نما شدن هم بر روی کتیبه در مسجد کنده‌کاری شده است.

اگرچه شباهت بنای گنبددار صالح‌آباد با گنبدخانه پنجه‌شاه کاشان می‌تواند تا حدی مشخص‌کننده قدمت بنا باشد، توجه به خصوصیتی مهم در بنای مورد نظر راهگشاست. در بنای گنبددار مورد نظر، تبدیل پلان چهارضلعی به حلقه‌ای هشت‌ضلعی که زمینه‌ساز استقرار گریو گنبد شود، گوشه‌سازی‌های فیل‌پوشی است که هنوز هم به‌خوبی قابل مشاهده‌اند (تصویر ۱۶ و ۱۸). این نوع گوشه‌سازی که سابقه‌اش به پیش از دوران اسلامی بازمی‌گردد، در بناهای مهمی از دوران اسلامی نیز به کار گرفته شده است؛ از جمله کاروانسرای آهوان و گنبد آل بویه در بی‌بی شهربانوی ری (پیرنیا ۱۳۷۰، ۲۳-۲۴؛ ریکا ۱۳۵۷). پیرنیا کاربرد این نوع گوشه‌سازی را در بناهای سده‌های پنجم و ششم معمول می‌داند (پیرنیا ۱۳۷۰، ۲۴).

اما اکنون که می‌توان به‌واسطه برخی قراین برشمرده‌شده، بنای گنبددار صالح‌آباد را به اوایل قرن هشتم و سال ۷۱۱ ق منتسب کرد، توجه به خصوصیات بنایی تخریب‌شده در بسطام اهمیت دارد. شهریار عدل در گزارشی از کارهای مطالعاتی در حال انجام در سال ۱۳۶۳ در بسطام، آثار گنبد تخریب‌شده‌ای را معرفی می‌کند که در زمان اشاره‌شده، بقایای آن در بخش مسجد مردانه یا بایزید پیدا شده است. او به استناد نقاشی آبرنگی از مجموعه بسطام که جیمز فریزر در ربع اول سده ۱۹ میلادی ترسیم کرده، آثار گنبد یادشده را دنبال کرده بود. عدل شرح می‌دهد که جایگاه گنبد و بلندی آن با محاسبه و مراجعه به نقشه‌های انفورماتیزه مجموعه که هم‌اکنون در دست تهیه است، مشخص شد و مختصات ریاضی فیل‌گوش‌ها (فیل‌پوش‌ها) به دست آمد. آثار فیل‌گوش شمال غربی گنبد با کمتر از سه چهار سانتی‌متر اختلاف با مختصات ریاضی آن در نقطه تعیین‌شده بر روی نمای درونی مسجد در مهرماه ۱۳۶۳ کشف گردید (عدل ۱۳۶۴، ۱۷۵). طبق شرح عدل روی بخش زیرین پایه این فیل‌گوش، آثاری گچ‌بری‌شده از دوره ایلخانی نمایان بود که با کتیبه قرآنی متأخری پوشانده شده بود. برداشت کتیبه متأخر و خواندن تاریخ کتیبه ایلخانی نشان‌دهنده تاریخ «... فی شهر سنة تسع و تسعين و ست مائة» است (همان، ۱۷۶) که البته با تاریخ اشاره‌شده توسط فریزر پیش از تخریب گنبد و مطابق با ۶۹۹ ق همخوانی دارد (Fraser 1825: 336؛ میرآقایی ۱۳۹۴) و نشان می‌دهد در همان حوالی، زمانی گوشه‌سازی فیل‌پوش در ساخت گنبد‌های نسبتاً کوچک بناهای مذهبی کاربرد داشته است.

نتیجه

این مقاله در پی یافتن بنایی به نام تربت‌خانه یا قدمگاه امام علی(ع) بود که در کاشی‌های زرین‌فام موزه سور، به ساخت آن در جریان رؤیایی از سال ۷۱۱ق اشاره شده بود. اگرچه بررسی‌های قبلی، برخی خصوصیات مهم متن کتیبه دو کاشی را روشن کرده و به حدود موقعیت بنای مورد نظر نیز اشاره‌ای شده بود، جای دقیق آن و خود بنا تاکنون شناسایی نشده بود. این موضوع از این نظر اهمیت دارد که بخش‌های توسعه‌متأخرتر آن در جریان یک سهل‌انگاری غیرقابل توجیه و توسط شهرداری در سال ۱۳۹۷ تخریب شده است. مطالعه و تفسیر دقیق متن کتیبه و مقایسه آن با سایر متون تاریخی و همچنین مطالعه نقشه‌ها و عکس‌های هوایی و بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد در حاشیه شمال غربی، گورستانی در بیرون دروازه‌های ملک‌آباد و جمال‌آباد و پیش از سال ۱۳۹۷ مجموعه‌ای به نام قدمگاه وجود داشته که اکنون فقط بخش کهن‌تر باقی مانده است. بنای باقی‌مانده که به شدت آسیب دیده و به نظر می‌رسد دست کم در طول یک قرن اخیر تعمیر نشده، گنبدخانه کوچکی است با ابعاد درونی حدود ۴/۶۰ در ۴/۷۰ متر که آهیانه‌ای بلند دارد و آثار باقی‌مانده نشان می‌دهد یک گنبد رک بر روی گریو دوازده‌ضلعی آن قرار داشته است. بنا ساده و خشتی است و گوشواره‌هایی از نوع فیل‌پوش دارد که در ارتفاعی پایین، گنبدخانه چهارگوش را به شکلی هشت‌ضلعی تبدیل می‌کند تا گنبد بر روی آن استقرار یابد. این بنای خشتی کوچک که گنبد رک دوازده ترکی بر روی خود داشته است و ابعاد و مشخصاتی نزدیک به گنبدخانه زیارتگاه پنجه‌شاه کاشان دارد، بنا بر قراینی که برشمرده شد، باید همان بنایی باشد که در کاشی‌های زرین‌فام موزه سور به آن اشاره شده است.

علاوه بر آنچه گفته شد، یافته‌های این مقاله نشان‌دهنده جایگاه دو کاشی منحصر به فردی است که خوشبختانه از گزند حوادث در امان مانده‌اند تا بخشی از تاریخ فرهنگی و هنر کاشان را بازگو کنند و البته نقش و جایگاه محدوده‌ای در شمال حصار شهر را نیز برای ما روشن کنند. این مقاله اهمیت محدوده یادشده را که وضعیت مناسبی ندارد گوشزد می‌کند. در عین حال، باید توجه داشت که عمده یافته‌های این تحقیق برآمده از مطالعه و تفسیر متون و بررسی‌های میدانی است. این مطالعات اگرچه اهمیت دارند و می‌توانند بخشی از تاریخ معماری کاشان را در ابتدای سده هشتم هجری قمری روشن کنند، هنوز کافی نیستند. مطالعه بنا و محوطه یادشده در پرتو یافته‌های جدید باید ادامه یابد. از جمله باید لایه‌های زیر خاک پیرامون بنای گنبددار صالح‌آباد یا تربت‌خانه و همچنین کف بنا بیشتر مطالعه شوند تا احتمالاً شواهد دیگری نیز پیدا شود. همچنین خود بنا از نظر فنی شایسته بررسی بیشتر است و باید با نمونه‌های دیگر گنبدخانه‌های کهن کاشان مقایسه شود و دخمه‌جداشده از بنا نیز باید موضوع بررسی‌ها و مطالعات بیشتر باشد. همچنین محدوده تخریب‌شده بنای دارای طاق بزرگ مرکزی و صحن حیاط واقع در شرق آن نیز باید مطالعه شوند. از جمله شایسته است که پی بنا و شواهد هرچند ناچیز آن ردیابی شود تا امکان بازسازی و بازپیرایی این مجموعه ارزشمند معماری و فرهنگی فراهم شود؛ مجموعه‌ای که نشانه‌ای از باورمندی مردمان کاشان و دریچه‌ای برای فهم برهه‌ای از تاریخ فرهنگی و شیعی این دیار است.

پی‌نوشت‌ها

1. The Sèvres national Ceramics Museum
2. Un diptique de foundation en ceramique lustrée, Kašan 711/1312
۳. برای اطلاعات بیشتر نک: مشهدی و غیاثیان ۱۴۰۰.
۴. این کاشی مصور در سال ۱۹۹۶ در یک حراجی توسط موزه ملی سرامیک سور خریداری شد (عدل ۱۳۷۹، ۲۴۴-۲۴۵).
۵. سور: دیوار قلعه (دهخدا: ذیل واژه).
۶. مهنت: خدمت کردن و زیرکی در کار (دهخدا: ذیل واژه). عدل این واژه را به صورت مهابت خوانده است (Ade 1972: 281).
۷. مُتعلی: آراسته‌شونده و زیورپوشنده (دهخدا: ذیل واژه).
۸. عدل بدین صورت خوانده است: «بوا[قه]» (نک: Ade 1982, 205؛ عدل ۱۳۷۹، ۲۲۸).

9. Peter Alford Andrews

۱۰. عدل این متن را چنین خوانده است: «(۱) بدین اندازه (یک؟) (۲) می جَمَازَه. اما آنچه او تصور کرده «یک» خوانده می‌شود، دو ویرگول متقارن تزیینی (، ،) است که برای پُر کردن فضای خالی ترسیم شده است. باید توجه شود که واژه «پی» به معنای جای پا که سه مرتبه در متن کاشی شبیه جای پای شتر درج شده، به‌اشتباه به‌صورت «می» و «سی» نوشته شده است (Adele 1982, 205; عدل ۱۳۷۹، ۲۲۸). برای اطلاعات بیشتر نک: مشهدی و غیاثیان ۱۴۰۰.

۱۱. نک: Komaroff and Carboni 2002, figs. 113-115

۱۲. نک: قدردان ۱۳۸۸، ۷۴.

منابع

– پنجه‌شاه. ۱۳۹۰. زیارت پنجه‌شاه به نقل از بحر الانساب. در نامه کاشان، ج ۴، به کوشش افشین عاطفی، ۱۹-۲۴. کاشان: همگام با هستی.

– پیرنیا، محمدکریم. ۱۳۷۰. گنبد در معماری ایران، اثر، ش. ۲۰.

– تاج‌الدین. ۱۳۹۰. بقعه خواجه تاج‌الدین به نقل از بحر الانساب. در نامه کاشان، ج ۴، به کوشش افشین عاطفی، ۲۹-۴۳. کاشان: همگام با هستی.

– جیحانی، حمیدرضا، محمد مشهدی، حانیة اویسی، و آذین زیلوچیان مقدم. ۱۳۹۹. مطالعه مرکز محله پنجه‌شاه کاشان با تأکید بر نقش زیارتگاه و عناصر معماری و شهری پیرامون. کاشان‌شناسی، ش. ۲۴: ۳۸-۳.

– خامه‌یار، احمد. ۱۳۹۵. ملوک شیعه ری و ورامین در دوره ایلخانی، کتابگززار، ش. ۱: ۴۳۳-۴۳۸.

– _____ . ۱۳۹۷. آگاهی‌های دیگری درباره ملوک علوی ری در دوره ایلخانی، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، <https://www.cgie.org.ir/fa/news/217036> (دسترسی: دی ۹۹).

– دوانی، علی. ۱۳۸۸. مفاخر مکتب اسلام / سید فضل الله راوندی. درس‌هایی از مکتب اسلام ۲ (۲): ۵۹-۶۵.

– رضوی کاشانی، حسین بن هیبة‌الله. ۱۳۵۷. شجره طیبه. فرهنگ ایران زمین، ش. ۲۳: ۳۳۷-۴۵۳.

– ریکا، الکساندر. ۱۳۵۷. اقدامات مرمتی در بقعه بی‌بی شهربانو. آگاهی‌نامه سازمان ملی حفاظت آثار باستانی، ش. ۳۰: ۱۲-۱۵.

– زیارتی، حمیدرضا. ۱۳۹۹. در گفتگو با نگارندگان. کاشان.

– سازمان نقشه‌برداری کشور. ۱۳۳۵، ۱۳۴۳، ۱۳۶۱ و ۱۳۷۸. عکس‌های هوایی کاشان.

– سپهر کاشانی، میرزا عبدالحسین خان. ۱۳۵۵. مختصر جغرافیای کاشان. به کوشش ایرج افشار. فرهنگ ایران زمین، ج. ۲۲: ۴۳۰-۴۵۸.

– شهروخانه، مهندسان مشاور. ۱۳۷۴. نقشه بازسازی شده کاشان دوره قاجار. بر اساس مطالعات بیرشک.

– عاطفی، افشین. ۱۳۹۷. اسنادی از ادارات و مؤسسات کاشان (از مجموعه اسناد کتابخانه افشین عاطفی). کاشان: ارمغان ادب.

– عدل، شهریار. ۱۳۷۹. یک جفت کاشی دو آتشفشان یادبود از کاشان مورخ سال ۱۳۱۲/۷۱۱: پیمان‌ها و خطوط تصحیح و تنظیم‌کننده در نقاشی شرقی، بخش دوم. در هنر و جامعه در جهان ایرانی، ترجمه احسان اشراقی، ۲۲۱-۲۴۶. تهران: توس.

– _____ . ۱۳۶۴. کتیبه‌ای نویافته در بسطام و برج آرامگاهی از میان رفته حسام‌الدوله در ساری، اثر، ش. ۱۰ و ۱۱: ۱۷۵-۱۸۳.

– قدردان، مهرداد. ۱۳۸۸. جایگاه نور و آتش در آیین زرتشت. شیراز: افق پرواز.

– قمی، حسن بن محمد. ۱۳۸۵. تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی قمی، تحقیق محمدرضا انصاری قمی. قم: مرکز قم‌شناسی کتابخانه مرعشی.

– کاشانی، جمال‌الدین ابوالقاسم. ۱۳۴۸. تاریخ الجایتو، به‌اهتمام مهین همیلی. تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب.

– کلانتر ضرابی، عبدالرحیم. ۱۳۷۸. تاریخ کاشان (مرآت القاسان)، تصحیح ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.

– مشهدی نوش‌آبادی، محمد و محمدرضا غیاثیان. ۱۴۰۰. رؤیانگاری بر کاشی زرین‌فام در دو بنای قدمگاهی کاشان از دوران ایلخانی و صفوی. فرهنگ و ادبیات عامه، ۹ (۳۷): ۱۰۱-۱۳۱.

- مشهدی نوش آبادی، محمد. ۱۳۹۵. اسطوره غیبت دختر. فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، ش. ۴۳: ۲۴۹-۲۸۲.
- موزه ملی سرامیک سور در پاریس. کاشان زرین‌فام مدور با شماره MNC 22688.
- موزه ملی سرامیک سور در پاریس. کاشان زرین‌فام مدور با شماره MNC 26903.
- موزه هنرهای زیبای بوستون. کاشی زرین‌فام ستاره‌ای هشت پر با شماره 31.729.
- میراث فرهنگی کاشان. ۱۳۸۲. گزارش ثبتی ذیل پرونده ثبت بنای آرامگاه قدمگاه صالح‌آباد در فهرست آثار ملی ایران به شماره ۱۲۱۰۷ (۱۳۸۴/۴/۳۰). کاشان.
- میرآقایی، سید هادی. ۱۳۹۴. بسطام به روایت فریزر، جهانگرد اسکاتلندی. اثر، ۳۶ (۶۹): ۹۳-۱۰۶.
- نراقی، حسن. ۱۳۴۸. آثار تاریخی شهرستان‌های کاشان و نطنز. تهران: انجمن آثار ملی.
- _____ . ۱۳۸۲. آثار تاریخی شهرستان‌های کاشان و نطنز. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- وقف‌نامه (۱۳۳۵). وقف‌نامه سه دیه در کاشان، به کوشش ایرج افشار. فرهنگ ایران‌زمین، ج. ۴: ۱۲۲-۱۳۸.
- Adle, Chahryar. 1972. Un disque de fondation en céramique (Kâšân, 711/1312), *Journal Asiatique*, CCLX/3-4: 277-297.
- Adle, Chahryar. 1982. Un diptique de fondation en ceramique lustrée, Kašan 711/1312, In idem, ed., *Art et société dans le monde iranien*, 199-218. Paris: Institut Français d'Iranologie.
- Andrews, Peter Alford. 1980. *The Felt Tent in Middle Asia: The Nomadic Tradition and Its Interaction with Princely Tentage*. PhD diss., University of London.
- Boyce, Mary. 1993. Dar-e Mehr, *Encyclopædia Iranica*. Vol. 6, Fasc. 6: 669-670.
- Fraser, James. B. 1825. *Narrative of a Journey into Khorasân, in the Years 1821 and 1822 ... by James B. Fraser*. London: Longman.
- Komaroff, Linda, and Stefano Carboni (eds.). 2002. *The Legacy of Genghis Khan*. New York: The Metropolitan Museum of Art.
- Watson, Oliver. 1975. The Masjid-i 'Ali, Quhrūd: An Architectural and Epigraphic Survey. *Iran*, XIII: 59-74.

■ Qadamgāh-i Imam ‘Ali: In Search of the Ilkhanid Turbat-khāneh of Kashan

Mohammad Mashhadi Noushabadi

Associate Professor, School of Literature and Foreign Languages, University of Kashan

Hamidreza Jayhani

Associate Professor, School of Architecture and Art, University of Kashan

In an article entitled “Un diptique de foundation en ceramique lustrée, Kašan 711/1312,” Chahriyar Adle studied two pieces of luster circular tiles preserved in the Sèvres Ceramics Museum in Paris. According to the tile inscriptions, they were made in connection with a Shi‘ite monument in Kashan. A dream from 711 AH/1312 AD is inscribed on one of the tiles with a raised horseshoe-like edge. According to the description of the mentioned dream, Imam ‘Ali and Imam Mahdi arrived at Kashan on their way to India, and Imam ‘Ali issued an order to build a turbat-khāneh so those who cannot visit them visit that shrine. Despite the studies and existing reference to the turbat-khāneh’s general location, the building and its exact location have not yet been identified. Therefore, these questions arise: do the mentioned pair of luster tiles refer to a specific building? And if yes, where is it located and what are its features? This study uses an interpretive-historical method, in which inscriptions and other historical texts are studied and interpreted. In addition, a large area at the northwest of the city’s historical walls was investigated. Then, the remains of a religious building are studied and compared with other similar examples to clarify its features and its construction time. The findings show that a small domed building north of the Sāleh-ābād Cemetery outside Kashan’s walls is the same building whose construction is mentioned on the pair of luster tiles. The studies show that the two unique tiles are related to a small domed building on the north of Kashan’s historical walls in Sāleh-ābād—where there was another building until 2018 called Qadamgāh-i ‘Ali. These two tiles have survived to tell a part of Kashan’s cultural and architectural history and, of course, to illuminate the role and standing of a forgotten religious building in Kashan’s Shi‘ite culture.

Keywords: Kashan, Darb-i Mehrīq-ābād, Ilkhanid period, luster tile